

اندیشه های کلامی علامه حلی

فهرست

گفتار مترجم	۹
مقدمه	۱۵
یاد و سپاس	۲۲

فصل اول : شرح احوال علامه حلّی

۱- دوران زندگی و خاندان او	۲۳
۲- استادان علامه	۲۵
۳- علامه در دربار اولجایتو	۳۴
۴- سالهای آخر زندگانی علامه	۴۲
۵- شاگردان علامه	۴۴

فصل دوم : آثار علامه حلّی

۱- مقدمه	۵۰
۲- آثار کلامی	۵۴
۳- آثار فلسفی	۶۲
۴- آثار منطقی	۶۶
۵- آثار فقهی	۶۷
۶- آثار او در اصول فقه	۷۰
۷- آثار او در علم رجال	۷۱
۸- آثار او در صرف و نحو	۷۲
۹- آثار عرفانی	۷۳
۱۰- آثار او در علم تفسیر	۷۳

۷۴.....	۱۱. آثار او در حدیث.....
۷۵.....	ضمیمه: فهرست الفبایی آثار علامه حلی.....

فصل سوم: عدل

۱۱۵.....	۱. حسن و قبح عقلی در برابر حسن و قبح شرعی.....
۱۱۹.....	۲. ماهیت عدل خداوند.....
۱۲۴.....	۳. تکلیف خداوند در عمل به اصلح برای بنده.....
۱۳۰.....	۴. رنج و عوض.....
۱۳۷.....	۵. اختیار و جبر.....

فصل چهارم: نبوت

۱۴۸.....	۱- هدف رسالت.....
۱۵۲.....	۲- عصمت انبیاء.....
۱۵۷.....	۳- دلایل نبوت حضرت محمد ﷺ.....
۱۶۲.....	۴- اعجاز قرآن.....
۱۶۶.....	۵- معجزه‌های غیر نبوی.....

فصل پنجم: صفات خداوند

۱۷۲.....	۱- صفات ذاتی خداوند و مرجع آن.....
۱۸۳.....	۲- خدای واجب الوجود.....
۱۸۹.....	۳- قدرت خداوند.....
۱۹۱.....	۴- علم خداوند.....
۱۹۸.....	۵. خدای سمیع و بصیر.....
۲۰۰.....	۶. خدای مرید.....

فصل ششم: فناء و اعاده

۲۰۶.....	۱- تکلیف خداوند برای اعاده حیات انسان.....
۲۰۹.....	۲- ماهیت فناء و اعاده حیات.....

فصل هفتم: وعد و وعید

۲۱۹.....	۱- پاداش و کیفر.....
----------	----------------------

فهرست مطالب / ۷

۲۲۲	۲- مسألهٔ مسلمان مرتکب گناه کبیره
۲۳۰	۳- عفو
۲۳۰	۴- شفاعت
۲۳۱	۵- توبه
۲۴۰	خاتمه

کتابنامه

۲۴۹	کتابهای چاپی
۲۷۳	کتابهای خطی
۲۷۵	نمایه

تقدیم به روان پاک پدر بزرگوارم
مرحوم حاج شیخ غلامرضا نمائی
که مرا علم دین آموخت.

مترجم

گفتار مترجم

کلام شیعه از بطن حدیث شیعه برمی خیزد و با فلسفه شیعه آمیخته است. در احادیث شیعه، برخلاف احادیث مذاهب اسلامی دیگر، مسایل عمیق ماوراء الطبیعی یا اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

حقیقت این است که طرح بحثهای عقلی عمیق در معارف اسلامی نخستین بار به وسیله امیرالمؤمنین علیه السلام در خطب و دعوات و مذاکرات آن حضرت مطرح شد. او بود که اولین بار درباره ذات و صفات باری تعالی و درباره حدوث و قدم، بساطت و ترکیب، وحدت و کثرت و غیر اینها سخنان عمیقی بیان کرد.^۱ شیخ صدوق نقل می کند: ^۲ «روزی که جنگ جمل بپا بود عربی برخاست و روی به امیرالمؤمنین علیه السلام کرد و گفت: یا امیرالمؤمنین! تو قائل به یکتایی خدا هستی؟ مردم از هر سو بر او تاختند که چه هنگام این سخن بود؟ مگر نبینی که امیرالمؤمنین پریشان خاطر است؟ امیرالمؤمنین فرمود: دست از او بردارید که خواسته این عرب همان است که ما بر سر آن با این مردم می جنگیم.» سپس با بردباری و با دقت و ظرافتی خاص سؤال او را پاسخ گفت.

او در جایی دیگر در نهج البلاغه در وصف باری تعالی می فرماید: ^۳
... صفتهای او تعریف ناشدنی است و به وصف درنیامدنی، و در وقت ناگنجیدنی، و به زمانی مخصوص نابودنی، به قدرتش خلاق را بیافرید، و به رحمتش بادها را بپراکند، و با خرسنگها لرزه زمین را در مهار کشید. سرلوحه دین شناختن اوست؛ و درست شناختن او، باور داشتن او؛ و درست باور داشتن او، یگانه انگاشتن او؛ و یگانه انگاشتن او، او را بسزا اطاعت نمودن؛ و بسزا اطاعت نمودن او، صفتهای او را از او زدودن، چه هر صفتی گواه است که با موصوف دوتاست و هر موصوف نشان دهد که از صفت جداست.

۱ - شهید مرتضی مطهری، آشنائی با علوم اسلامی، کلام، عرفان، انتشارات صدرا، قم، بی تا، ص ۵۲، ۵۴.

۲ - ابن بابویه قمی [شیخ صدوق]، الخصال، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، انتشارات علمیه اسلامی، بی تا، ص ۲-۳.

۳ - نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۱، ص ۲-۳.

پس هر که پاک خدای را با صفتی همراه داند او را با قرینی پیوسته، و آن که با قرینش پیوندد، دوتایش دانسته؛ و آن که دوتایش خواند، جزء جزء اش داند؛ و آن که او را جزء جزء داند، او را نداند؛ و آن که او را نداند در جهتش نشاند؛ و آن که در جهتش نشاند، محدودش انگارد؛ و آن که محدودش انگارد، معدودش شمارد. و آن که گوید در کجاست، در چیزیش درآرد؛ و آن که گوید فراز چه چیزی است، دیگر جاها را از او خالی دارد. بوده و هست از نیست پدید نیامده است. با هر چیز هست، و همنشین و یار آن نیست، و چیزی نیست که از او تهی است...

علاوه بر بیانات ائمه اطهار علیهم‌السلام در باره عقاید که به صورت خطبه و روایت و مناظره و احتجاج و دعا در دست است، بنا بر نقل ابن ندیم،^۱ اولین سخنگوی مذهب امامیه علی بن اسماعیل بن میثم تمار بود که کتاب الامامة و کتاب الاستحقاق را درباره عقاید شیعه تألیف کرد. میثم تمار خود مردی خطیب و سخنور و از صاحبان سرّ امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بود. علی بن اسماعیل نواده این مرد بزرگ، با عمرو بن عبید و ابوالهذیل علاّف، از متکلمان معروف نیمه اول قرن دوم و از پایه گذاران طبقه اول کلام معتزلی، همزمان بود.^۲

در میان اصحاب امام صادق علیه‌السلام گروهی بودند مانند هشام بن حکم، هشام بن سالم، حرمان بن اعین، ابوجعفر احول معروف به مؤمن طاق و غیرهم که امام علیه‌السلام از آنان به عنوان «متکلم» یاد می‌کرد.

در کتاب کافی داستانی است از مباحثه این گروه با یکی از مخالفان که در حضور امام صادق علیه‌السلام انجام شد و موجب نشاط خاطر امام علیه‌السلام گردید.

حضرت رضا علیه‌السلام شخصاً در مجلس مباحثه‌ای که مأمون از جمع متکلمان مذاهب تشکیل می‌داد شرکت می‌کرد و به مباحثه می‌پرداخت؛ صورت این مناظرات در متن کتب شیعه محفوظ است.^۳

شریف مرتضی می‌گوید: «همانا اصول دین و توحید و عدل از سخنان امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام اخذ شده است و همه متکلمانی که پس از او آمده‌اند به سخنان آن حضرت تکیه کرده و گفتار و آرای او را شرح کرده‌اند و آنچه از امامان پس از او روایت شده از شمار بیرون است.»^۴

اما پس از شهادت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و روی کار آمدن دولت بنی‌امیه، جوّ سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی سبب شد که مردم دسترسی کمتری به منبع وحی و خاندان نبوت داشته

۱ - محمد بن اسحاق الندیم، کتاب الفهرست، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶، ص ۳۲۷.

۲ - شهید مرتضی مطهری، ص ۵۵.

۳ - همو، ص ۵۶.

۴ - شریف ابوالقاسم علی بن حسین سید مرتضی، امالی السید المرتضی، منشورات مکتبه آیة الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۰۳.

باشند و جز خواص - که اغلب بر سر این کار نقد جان می‌باختند - کسی را یارای ذکر نام علی و اولاد علی نبود. در این دوران که ابرهای تیره کینه و عداوت خورشید تابان امامت و ولایت را پوشانده بود ستارگانی کم فروغ، که خود خوشه چین خرمن دانشهای خاندان عصمت و طهارت بودند، فرصت درخشیدن یافتند و گروهی را گرد خود جمع کردند.

حسن بصری (۲۱ - ۱۱۰) از زهاد، عالمان و عارفان مدینه که، به نقل شیخ عطار^۱ در تذکرة الاولیاء، به علی علیه السلام ارادت داشت و در علوم به او رجوع می‌کرد و طریقت را از او گرفته بود، نخستین حوزه رسمی درسی در علم کلام را در بصره بنیاد نهاد و متفکران بنامی چون معبد جهنی و غیلان دمشقی پیشوای قدریه از شاگردان این مدرسه بودند. واصل بن عطا (۸۰ - ۱۳۱) که نقل شده با دو واسطه از شاگردان امام علی علیه السلام بود ابتدا در محضر درس حسن بصری حاضر می‌شد. تا اینکه نظریه معروف خویش «المنزلة بین المنزلتین» را ابراز داشت و از جمعیت حاضر در حلقه درس استاد کناره گرفت. عمرو بن عبید، شاگرد و برادر زنش نیز به او ملحق شد و مجلس درس جداگانه‌ای تشکیل دادند و به علت کناره گیری از حوزه درس استاد به معتزله شهرت یافتند.

در زمان حسن بصری فتنه «ازارقه» که گروهی از خوارج متعصب بودند، پدید آمد. آنان گفتند هر مسلمان یا غیر مسلمان که مرتکب گناه کبیره شود مشرک و قتل او به نص قرآن واجب است. مرجئه، بر عکس معتقد بودند گناه کردن چیزی از ایمان نمی‌کاهد و برای همه کسانی که ادای شهادتین می‌کردند امید آمرزش داشتند.

روزی یکی از شاگردان حسن بصری همین مسأله مورد اختلاف خوارج و مرجئه را از استاد پرسید. حسن سر به جیب فکرت فرو برد و هنوز پاسخی نداده بود که واصل بن عطا گفت: به عقیده من مرتکبان گناه کبیره نه کافر مطلقند، نه مؤمن مطلق بلکه در «منزلة بین المنزلتین» یعنی در میان دو مرحله کفر و ایمان جای دارند.^۲

ولی باید توجه داشت دهها سال قبل از تولد واصل بن عطاء امیرالمؤمنین علی علیه السلام در باره این مسأله با خوارج مباحثه کرده و با ادله متعدد نظریه آنان را باطل ساخته بود از جمله در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه خطاب به خوارج می‌فرماید:^۳

... می‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زناکار همسردار را سنگسار می‌کرد پس از آن بر وی نماز می‌خواند پس ارث او را میان خاندانش تقسیم می‌نمود. قاتل را می‌کشت و میراثش را به اهلش می‌داد. دست سارق را می‌برید. و زناکار بدون همسر را تازیانه می‌زد. پس سهم آنان را از غنائم می‌داد و می‌توانستند از زنان

۱ - شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، تذکرة الاولیاء، به اهتمام حسین خلیلی، انتشارات صفی علیشاه، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۰.

۲ - محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل والنحل، به اهتمام سید محمدرضا جلالی نائینی، شرکت افست، تهران، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۷۲.

۳ - نهج البلاغه، ص ۱۲۵.

مسلمان همسر انتخاب کنند. بنابراین پیغمبر آنها را به واسطه گناهانشان مؤاخذه می‌کرد و حدّ خدای را بر آنها اجراء می‌نمود. اما سهم اسلامی آنها را از بین نمی‌برد و نامهای آنان را از دفتر مسلمانان خارج نمی‌ساخت.

معتزله در اواخر دوران اموی ظهور کردند و پیوسته با بنی‌امیه درگیری‌هایی داشتند و نسبت به آنها اظهار تنفر می‌کردند ولی مخالفت آنان با دستگاه حاکم از حدّ کلام تجاوز نمی‌کرد و ناخواسته به نفع امویان بود که مردم به جای تمسک به خاندان وحی و نبوت به کسانی روی آورند که خطری بالقوه برای آنان به حساب نمی‌آمدند.

دستگاه خلافت عباسی که در دشمنی با آل علی کمتر از امویان نبود برای حفظ موقعیت سیاسی خود مصلحت را در این دید که از معتزله حمایت کند. زمانی که مأمون عباسی به خلافت رسید خویشان را از حامیان معتزله قلمداد نمود و آنان را مقرب دستگاه خلافت کرد و مقامات حساسی را به آنان واگذار نمود.

پس از درگذشت مأمون عباسی، وزیرش احمد بن ابی دؤاد در حمایت از معتزله راه افراط پیمود و عالمان و فقیهان و محدثان بسیاری از جمله احمد بن محمد بن حنبل، امام حنبلیان را به بند کشید و به زندان افکند. این شدت عمل یا «دوران محنه» تا دوران متوکل ادامه داشت. او به مخالفت با این گروه برخاست و احمد بن ابی دؤاد معتزلی را از وزارت برکنار و زندانی ساخت و به ترویج مذهب اشعری پرداخت.

حکام و دست پروردگان خلفا که از دشمنان سرسخت شیعه بودند سخن حق ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و بر گرفته از دامن کوهسار وجود امیرالمؤمنین را که سیلها و چشمه‌های علم و فضیلت از آن جاری است نشنیده گرفتند و از افکار بلند او که مرغان دور پرواز اندیشه‌ها را به آن راهی نیست چشم پوشیدند و حتی هزاران حدیث دروغین جعل و در میان احادیث شیعه وارد کردند و آنچه سیاست اقتضا می‌کرد و سیاست پیشگان می‌خواستند بافتند و آنچه از گفته‌های کیسانیه، باطنیه، حلولیه، سبائیه، مفوضیه، نصیریّه، منصوریه، واقفیه ... بود، که شیعه امامیه خود را از آنان مبرا می‌داند، همه را به شیعه و یا به قول خودشان به روافض نسبت دادند. مذهب شیعه جعفری یا اثنی عشری را که از همه مذاهب اسلامی دیگر پر بارتر و به اصل اسلام نزدیکتر بود نادیده گرفتند و به رغم آن معتزله را به خود نزدیک کردند. پس از چندی آرای اشاعره را پذیرفتند و مذهب اشعری را در اصول دین رسمیت بخشیدند. با وجود این، نویسندگان اهل سنت نتوانستند از آراء کلامی و اصول عقاید شیعه چشم پوشی کنند؛ بویژه از کتابهای کلامی شیعه که در قرن سوم و دوره‌های بعد از آن، که شیعیان آزادی بیشتری نسبت به گذشته داشتند. اما چون گرایشهای موروثنی و کینه‌ها و دشمنی‌هایی که از زمانهای دیرین در دل آنها ریشه دوانیده بود مانع حق‌گویی و تسلیم آنان در برابر حق می‌شد، گفتند شیعه در اعتقادات و اصول خود پیرو معتزله است. نویسنده کتاب مذکور در این باره می‌گوید:

جمله دکتر زابینه اشمیتکه نویسنده این کتاب، نیز این گفتار را امری ثابت شده می‌پندارند و بدون مراجعه به منابع اصلی و قدیم شیعه آن را می‌پذیرند.

کلام شیعه، چون سایر علوم اسلامی، مبتنی بر قرآن، عقل و بیانات ائمه اطهار علیهم‌السلام است ولی همپای دیگر علوم اسلامی مانند فقه، اصول، رجال، حدیث و فلسفه قله‌های رفیع کمال را نیپیموده و از رشد و بالندگی کافی برخوردار نبوده است. در حوزه‌های علمی چنانکه باید و شاید از آن استقبال نشده و مورد بحث قرار نگرفته است. کتابهای کلامی که اهل سنت نوشته‌اند و تحقیقاتی که خاورشناسان در این رشته به عمل آورده‌اند، مخصوصاً در دهه‌های اخیر، بر آثار شیعیان می‌چربد و جای تعجب نیست اگر محقق در مورد کلام تحقیق می‌کند افکار و اندیشه‌های شیعه را از لابلای مقالات الاسلامیین اشعری، ملل و نحل شهرستانی و یا کتابهای غزالی و دیگر نویسندگان غیر شیعی بجوید.

خانم زابینه اشمیتکه، نویسنده کتاب، در سال ۱۹۶۴ در شهر صنعتی شورت آلمان متولد شد. در شهر کلن آلمان و در دانشگاه‌های لندن و آکسفورد به تحصیل علوم اسلامی پرداخت و رساله دکترای خود را با عنوان اندیشه‌های کلامی علامه حلی به راهنمایی پروفیسور مادلونگ در سال ۱۹۹۰ به پایان رساند. او متخصص در علم کلام شیعه اثنی عشری است. مقالات متعددی از وی در مجلات اروپایی و نیز در دائرةالمعارف قرآن و دانشنامه ایران در اروپا و امریکا چاپ شده و کتابهایی به شرح زیر نوشته است:

- ۱- اعتقادات زمخشری معتزلی، المغنی فی اصول الدین، اشتوتگارت، اشتاینر، ۱۹۹۷؛
- ۲- مکاتبات کوزبن - ایوانف. نامه‌هایی که از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۶ هانری کوربن و ولادیمیر ایوانف به یکدیگر نوشته‌اند، نون، پیترز، ۱۹۹۹.
- ۳- تحقیقی درباره ابن ابی‌جمهور احسایی با عنوان، کلام، فلسفه و عرفان در تشیع قرن نهم هجری، که بزودی از طرف مؤسسه بریل، لیدن، در مجموعه «فلسفه، کلام و علوم اسلامی» منتشر خواهد شد.

او که این رساله را برای دریافت درجه دکتري خود به راهنمایی پروفیسور ویلفرد مادلونگ نوشته است از این قاعده مستثنی نیست. مارتین مکدرموت، شاگرد دیگر این استاد، که کتاب اندیشه‌های کلامی شیخ مفید را نوشته است و آقای احمد آرام مترجم و نویسنده گرانقدر آن را ترجمه کرده‌اند، نیز بر این عقیده است که آرای کلامی شیخ مفید متأثر از کلام معتزله است و بر بزرگان است که این کتابها را مطالعه کنند و حقیقت را برای معتقدان به چنین اندیشه‌ای روشن کنند. ما نیز ترجمه این کتاب را از دو جهت مفید دانستیم:

- ۱- نویسنده در فصل اول کتاب، شرح احوال علامه حلی، دوران زندگی و خاندان او، استادان و شاگردان علامه و دوران حضور او در دربار اولجایتو و زمان پس از آن را با دقت و به تفصیل بیان کرده است. فصل دوم اختصاص به آثار علامه دارد که به بررسی رساله‌ها و

کتابهای او در هر یک از زمینه‌ها پرداخته است. در فهرست الفبایی ضمیمه این کتاب، نام ۱۲۶ اثر منسوب به علامه و محل چاپ و ناشر کتابهای چاپ شده و همچنین محل نگاهداری و شماره فهرست کتابهای خطی و شرحها و ردیه‌ها و یارده ردیه‌هایی را که تاکنون بر کتابهای او نوشته شده همه را به صورت مشروح و مفصل ذکر کرده است که در حقیقت می‌تواند کتابنامه و یا کمکی به تدوین کتابنامه‌ای باشد برای آثار علامه حلی.

۲- در فصلهای بعدی کتاب به موضوعات کلامی مانند: عدل، نبوت، صفات خداوند، فناء و اعاده و وعد و وعید (پاداش و کیفر) پرداخته و در این بحثها نظریات معتزله، اشاعره و آرای علامه حلی و موافقت یا مخالفت و یا نزدیکی اندیشه‌های کلامی او را با معتقدان به این دو اندیشه بررسی کرده است. نویسنده آراء و نظریات هر گروه را با استنباطی که از نوشته‌ها و آثار صاحبان این مذاهب به دست آورده با بی‌طرفی و دقت خاصی مورد مطالعه قرار داده است که البته تصور او در این مورد ممکن است با درک ما از کلام شیعه یکسان نباشد. زیرا او فقط به بررسی اندیشه‌های کلامی علامه حلی پرداخته است نه بررسی کلی کلام شیعه و در آرای کلامی هم ممکن است همانند فتوای فقیهان، با همه پیشرفتهایی که در علم فقه حاصل شده، اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد.

مطالعه این کتاب و کتابها و مقالات بسیار دیگری که غربیان در سالهای بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی در مورد شیعه و علوم وابسته به این مذهب نوشته‌اند نشان می‌دهد که شیعه در دنیای امروز کاملاً مطرح است و نیاز به بررسیهای دقیق علمی در این زمینه‌ها وجود دارد. از طرفی اندیشمندان و صاحب نظران ما با مطالعه و بررسی این کتابها می‌توانند به شبهاتی که دانسته یا ندانسته ممکن است از طرف غربیان القاء شود جواب مناسبی بدهند و رفع شبهه کنند.

در خاتمه لازم می‌دانم از دوست و همکار دانشمندم جناب آقای جواد قاسمی تشکر کنم که با دقت و حوصله بسیار تمام دستنوشته‌های این ترجمه را با متن کتاب مقابله کردند و در بیشتر موارد با مراجعه به مآخذ عربی و فارسی کتاب عبارات درست و دقیقی را که در متون اصلی آمده بود پیشنهاد کردند. همچنین از استاد بزرگوار جناب آقای پرویز ضیاء شهابی که به اجمال و جناب آقای علی حقّی که به تفصیل این نوشته را بازخوانی و نکات مفیدی را یادآوری کرده‌اند سپاسگزارم. نقایصی که در این ترجمه وجود دارد همه از جانب مترجم است و ویراستاران محترم از آن مبرا می‌باشند.

مترجم سپاسگزار همه بزرگانی خواهد بود که به نحوی او را از کاستیهای این ترجمه آگاه فرمایند تا ضمن سپاس از این عزیزان در چاپهای بعدی، کتابی ویراسته‌تر تقدیم ارباب فضل و دانش شود. ان شاء الله.

مترجم

مقدمه

در دهه‌های اخیر محققان در بررسی ماهیت رابطه مذهب معتزله با مذهب امامیه به پیشرفتهای زیادی دست یافته‌اند.^۱

این حرکت را ویلفرد مادلونگ هنگامی آغاز کرد که طرح کلی تکامل علم کلام شیعی را نسبت به پیشرفتهای مشابه در علم کلام معتزلی مورد بررسی قرار داد.^۲ مارتین مکدرموت به بررسی جامع و همه جانبه اندیشه‌های سه متکلم بزرگ ابن بابویه (ف ۳۸۱)، شیخ مفید (ف ۴۱۳) و شریف مرتضی (علم الهدی) (ف ۴۳۶) پرداخت.^۳ د. سوردل با ارائه دو مقاله درباره شیخ مفید، سهم بیشتری در بررسی علم کلام امامیه داشته است.^۴

۱ - پیش از این، خاندان نوبختی (فرهنگ و ادبیات ایرانی، شماره ۴۳، تهران، طهوری، ۱۳۴۲) نوشته عباس اقبال است که چاپ اول آن در سال ۱۳۱۱ بود.

۲ - و. مادلونگ، «اندیشه‌های کلامی امامیه و معتزله»

Madelung " Imámism and Mu'tazilite Theology" , in *Le shí'isme imamite* (edited by T.Fahd. Colloque du Centre d'études supérieures spécialisé d'histoirs des religions de Strasbourg. Paris: Presses Universitaires de France, 1970), 13 - 30

همو، «آثار دینی عربی: تشیع»

" Religiöse Literatur in arabischer Sprache: Die Šī'a", in *Grundriss der arabischen Philologie* (edited by Helmut Gätje. Wiesbaden: Reichert, 1987), 2:366 - 7.

۳ - م. ج. مکدرموت، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید.

M.J. McDermott, *The Theology of al - Shaikh al - Mufid* (d. 413 / 1022) (Recherches. Nouvelle série: A. Langue arab et Pensée islamique, Vol. 10. Persian studies series, no.9. Beirut: Dar el - Machreq, 1978).

[مارتین مکدرموت، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، سلسله دانش ایرانی ۳۵، تهران،

[۱۳۶۳]

۴ - د. سوردل، «امامیه از دید شیخ مفید».